



تحلیلی بر سطح توسعه فرهنگی شهر اصفهان با استفاده از روش تحلیل عاملی

جمال محمدی: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

ملیحبه ایزدی: دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران*

دریافت: ۱۳۹۰/۷/۱۶ - پذیرش: ۱۳۹۱/۱/۲۲، صص ۸۹-۱۰۴

چکیده

هدف از این پژوهش، تعیین و تحلیل سطح توسعه فرهنگی و نابرابری ناحیه‌ای مناطق شهری اصفهان با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی است. جامعه آماری پژوهش، ۱۴ منطقه شهرداری اصفهان است. رویکرد حاکم بر این پژوهش «توصیفی-کمی و تحلیلی» است. در این پژوهش ۳۵ شاخص با روش تحلیل عاملی خلاصه شده و به ۵ عامل تقلیل یافته و به صورت ترکیبی در عوامل معنی دار ارایه گردیده‌اند. با بهره‌گیری از تکنیک مزبور سهم عوامل تأثیرگذار در توسعه فرهنگی مناطق مشخص گردید. بدین صورت که هر یک از شاخص‌های بار گذاری شده در عامل‌ها مشخص و با استفاده از امتیاز عاملی مناطق رتبه‌بندی شده است و در نهایت، براساس رتبه عامل‌ها، مناطق در پنج سطح مشخص شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که این پنج عامل، روی هم رفته ۹۳/۱۱ درصد از واریانس را محاسبه و تبیین می‌کنند. عامل اول به تنهایی ۵۳/۱۲ درصد و عوامل بعدی به ترتیب ۱۷/۲۲، ۱۱، ۴/۳۸ و ۴/۳۸ درصد از واریانس را محاسبه و توضیح می‌دهند. در این صورت توزیع امکانات و فضاهای فرهنگی در بین مناطق متعادل نیست.

واژه‌های کلیدی: تحلیل فضایی، توسعه، توسعه فرهنگی، تکنیک تحلیل عاملی، شهر اصفهان

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

برای تعدیل در پراکنش شاخص‌های توسعه، برنامه‌ریزی جامع توسعه پذیری مناطق با هدف ارایه الگوی مناسب برای توزیع متعادل خدمات، جمعیت و سکونتگاه‌ها (تعادل فضایی) ضرورت می‌یابد. در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه، شناخت و تبیین سطوح توسعه یافتگی نواحی و آگاهی از نقاط قوت و ضعف آنها اهمیت بسیاری دارد، چرا که دستیابی به الگوواره توسعه پایدار نیازمند تعادل در توزیع شاخص‌های خدماتی، فرهنگی، اقتصادی، برنامه‌ریزی و... است (فنی، ۱۳۸۳: ۲). دستیابی به توسعه در هر سطحی و با هر هدفی که باشد نیازمند برنامه‌ریزی اصولی، کارآمد و اجرای دقیق آن است. بنابراین، برای انجام برنامه‌های مختلف اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی، تدوین راهکارهای توسعه، موفقیت در برنامه‌ریزی و طرح‌های اجرایی، بررسی و شناخت توان‌ها، کمبودها و تعیین سطح توسعه یافتگی نواحی و سکونتگاه‌ها براساس یک سری از شاخص‌های برتر، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است (تقوایی، نوروزی اورگانی، ۱۳۸۶: ۶۱-۶۰).

به عبارت دیگر، زمانی که عدم تعادل در پراکنش فضایی شاخص‌های توسعه شدت بیشتری به خود بگیرد به صورت تصاعدی عدم تعادل فضایی امکانات و جمعیت را دامن می‌زند و ضمن تشدید تمرکز شاخص‌ها در نقاطی که هم اکنون از معضل تمرکز در رنج هستند موجب رانش جمعیت و امکانات از مناطق محروم می‌شود و گره‌های کور عدم تعادل در سطح فضای جغرافیایی را بیشتر

می‌نماید. بی‌توجهی به عدم تعادل‌های موجود در هر منطقه یا کشور، ضمن فشار بر مکان، منابع و جمعیت در نقاط و کانون‌های تمرکز منجر به کاهش بهره‌وری بهینه منابع در مناطق کم‌تمرکز و گریز جمعیت و نیروی انسانی از این مناطق خواهد شد. در نتیجه دستیابی به توسعه پایدار انسانی را غیر ممکن می‌نماید (زنگی‌آبادی، ۱۳۷۸: ۳۳). به طوری که یکی از مهم‌ترین اهداف برنامه‌ریزی، آینده‌نگری و ایجاد توسعه متعادل در مناطق مختلف جغرافیایی است لازمه این فرآیند مطالعه و شناخت دقیق مناطق و استعدادهای بالقوه و بالفعل، همچنین ارزیابی و شناخت رابطه بین شاخص‌های اثرگذار در توسعه منطقه است، در این راستا برای رسیدن به این مرحله باید از روش‌ها و تکنیک‌های مختلف یاری جست، یکی از مهم‌ترین این راهبردها تکنیک‌های کمی است (محمدی، ۱۳۸۱: ۴۳).

۱-۲- اهمیت و ضرورت

ضرورت و اهمیت پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که فضاهای فرهنگی یکی از ارکان اصلی توسعه فرهنگی محسوب می‌شوند. از طرفی یکی از مهمترین اهداف برنامه‌ریزی فضایی، با توجه به محدودیت منابع، توزیع بهینه و متعادل امکانات و خدمات بین سکونتگاه‌های مختلف است. برای تحقق این امر نیاز به شناسایی سکونتگاه‌های مختلف از نظر میزان برخورداری آن‌ها از امکانات و خدمات گوناگون است؛ تا از این طریق نقاط محروم و توسعه یافته مشخص شده و برنامه‌ریزان بتوانند برای تعادل فضایی و کاهش فاصله‌های بهره‌مندی بین مناطق اقدام کنند.

۱-۵- پیشینه پژوهش

مختاری ملک آبادی (۱۳۸۴) تأثیر تکنولوژی اطلاعات بر برنامه ریزی کاربری اراضی شهری (فرهنگی - تفریحی) اصفهان را مورد بررسی قرار داده است. در این پژوهش تغییراتی را که بر ساختارهای فضایی شهر و الگوی خدمات رسانی در زمینه‌های مختلف شهری بر جای می‌گذارد، مورد مطالعه قرار داده و الگوهای لازم را برای دستیابی به مدیریت جامع الکترونیکی شهر اصفهان ارائه داده است (مختاری ملک آبادی، ۱۳۸۴).

موسوی و حکمت نیا (۱۳۸۴) با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌ها به تعیین عوامل مؤثر بر توسعه ی نواحی ایران پرداخته‌اند. در این پژوهش ۳۸ شاخص به روش پیشرفته آماری به ۶ عامل تقلیل یافته به طوری که سهم هر عامل در توسعه انسانی مشخص گردیده شده است (موسوی و حکمت نیا، ۱۳۸۴: ۵۵).

مولایی (۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان «مقایسه ی درجه ی توسعه یافتگی بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳»، ضمن بهره‌گیری از روش‌های کمی با استفاده از ۵۴ شاخص درجه ی توسعه یافتگی استان‌ها و میزان نابرابری آن‌ها را در دو مقطع زمانی ۷۳ و ۸۳ مقایسه نموده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سطح توسعه خدمات و رفاه اجتماعی در استان‌های کشور طی سال‌های مورد مطالعه افزایش یافته اما توزیع آن نامتوازن تر شده است. (مولایی، ۱۳۸۶: ۲۵۷-۲۴۱).

مطالعه حاضر برای رسیدن به توسعه متعادل در مناطق شهری اصفهان، به دنبال شناخت موقعیت و چگونگی توزیع امکانات توسعه شاخص‌های انتخابی فرهنگی در مناطق مختلف است. برای دستیابی به این مهم با بهره‌گیری از روش‌ها و تکنیک‌های رایج در برنامه ریزی از جمله (تحلیل عاملی^۱) تجزیه و تحلیل شاخص‌های مورد نظر در توسعه، تعیین عوامل مؤثر در توسعه مناطق و سطح بندی هر کدام از آنها صورت گرفته است.

۱-۳- اهداف تحقیق

از اهداف اصلی این پژوهش - بررسی و شناخت وضعیت موجود مناطق شهر اصفهان از نظر امکانات و فضاهای فرهنگی. - بررسی و شناسایی نابرابری‌ها و تفاوت‌ها بین مناطق اصفهان از نظر سطح برخورداری از شاخص‌های توسعه فرهنگی و رتبه بندی مناطق براساس شاخص‌های مزبور می‌باشد. تا در قالب توسعه ی منطقه ای و از طریق تعیین درجه توسعه نیافتگی، وضعیت امکانات فرهنگی ارائه شده در مناطق شهری مشخص شود.

۱-۴- فرضیه‌های پژوهش

- نابرابری و تفاوت‌هایی از لحاظ شاخص‌های توسعه فرهنگی بین مناطق شهری وجود دارد.
- به نظر می‌رسد توزیع شاخص‌های توسعه فرهنگی در سطح ۱۴ منطقه شهرداری اصفهان متعادل نیست.

۱-۶- روش پژوهش

پژوهش حاضر «توصیفی-تحلیلی» است. از آنجا که جامعه آماری این پژوهش را، ۱۴ منطقه شهرداری اصفهان تشکیل می‌دهد. اطلاعات مورد نیاز براساس سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷ به ترتیب از معاونت برنامه ریزی استانداری استان اصفهان (دفتر آمار و اطلاعات)، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اصفهان، اداره کل مساجد استان اصفهان و از سایر مراکز ذیربط این سازمان‌ها گردآوری شده است. سپس با استفاده از ۴۵ متغیر، نسبت به ایجاد ۳۵ شاخص انتخابی اقدام گردید. پس از مرحله «شناختن شاخص سازی»، جهت دستیابی به هدف مطالعه ۳۵ شاخص مورد بررسی ابتدا با استفاده از الگوی تحلیل عاملی به عوامل معنی دار تبدیل می‌گردد، به طوری که درصد سهم هر عامل نیز در توسعه خدمات فرهنگی مناطق مشخص شده است.

۲- مبانی نظری

۲-۱- توسعه منطقه‌ای

در مفهوم وسیع، توسعه عبارت است از: بهبود در کیفیت سطح زندگی از همه ابعاد آن یعنی چیزی بیش از درآمد یعنی آموزش مستمر، بهبود استانداردهای بهداشتی و تغذیه، کاهش فقر، محیط زیست بهتر و برابری اقتصادی و اجتماعی بالاتر در برخورداری از امکانات و فرصت‌ها، آزادی بیشتر فردی و زندگی غنی‌تر فرهنگی (طاهری، ۱۳۸۰: ۹). به عبارت ساده می‌توان گفت با توجه به این که هدف اصلی توسعه حذف نابرابری‌هاست، بهترین مفهوم توسعه، رشد همراه با عدالت اجتماعی است (Hadder, 2000: 3).

توسعه منطقه‌ای می‌تواند به عنوان یک جنبه پویای سیستم منطقه‌ای یا به طور دقیق‌تر، به عنوان تغییراتی که در مکان‌های مختلف منطقه در طول زمان روی می‌دهد، تعریف گردد. مطالعات توسعه ناحیه‌ای در چند دهه اخیر به عنوان نگرش‌هایی برای برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی، توزیع بهینه منابع و امکانات و رفاه و ثروت، تخصیص مجدد منابع، رشد متوازن تر نواحی و کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای مطرح بود و مورد توجه بیشتر سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان خصوصاً برنامه‌ریزان ناحیه‌ای قرار گرفته است. دیدگاه‌های مختلفی در زمینه توسعه ناحیه‌ای مطرح شده است. از جمله:

الف- نظریه نئوکلاسیک و توسعه ناحیه‌ای: اقتصاددانان «نئوکلاسیک» معتقدند که رشد و توسعه ناحیه‌ای تحت تأثیر عوامل: ساختار تعادل و جابجایی قرار دارد و در دراز مدت باعث می‌شود تا جریان آزاد منابع بین نواحی یک سرزمین یا کشور، نوعی تعادل بین ناحیه‌ای را به وجود آورد. دلیل آن این است که سرمایه‌ها و منابع، با وجود این شرایط، از نواحی با هزینه‌های بالا به نواحی با هزینه‌های پایین جابجا می‌شوند (قنبری هفت چشمه و حسین زاده دلیر: ۱۳۸۴، ۴-۳).

ب- نظریه نئوکینزی (پایه اقتصادی): نئوکینزها توسعه منطقه‌ای را وابسته به میزان صادرات می‌دانند به طوری که با تقسیم اقتصاد ناحیه به دو بخش پایه و غیر پایه، توسعه نواحی را ناشی از بخش پایه دانسته و معتقدند، سایر فعالیت‌ها زاینده رشد و فعالیت‌های بخش پایه است (صرافی، ۱۳۷۹: ۱۴۷).

(عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۰۳-۱۰۲). فریدمن با تعریف توسعه به عنوان فرآیند ناپیوسته و تراکمی از ابداعات، سیستم فضایی را به مرکز-پیرامون تقسیم می‌کند. نواحی مرکزی به عنوان زیر سیستم‌های سازمان یافته‌ای تلقی می‌شوند که ظرفیت بالایی جهت توسعه دارند و نواحی پیرامونی، زیر سیستم‌هایی هستند که مسیر توسعه آن‌ها توسط نهادهای نواحی مرکزی و با توجه به نحوه ارتباط آن‌ها برحسب وابستگی عمده تعیین می‌شود (Friedman, 1972: 97). با توجه به این که دسترسی به امکانات و فضاهای فرهنگی یکی از نیازهای اساسی مردم در رسیدن به فرآیند توسعه است، در کشور ما اکثر این فضاهای فرهنگی در مناطق مرکزی شهرها هستند و مناطق پیرامون از این حیث محروم هستند. به نظر می‌رسد در شهر اصفهان نیز نابرابری و فقدان تعادل در توزیع بهینه امکانات و منابع با تمرکز امکانات و خدمات در مناطق مرکزی شهر، واگرایی و شکاف توسعه بین نواحی را موجب شده است.

۲-۲- توسعه فرهنگی

فرهنگ، پایه‌های رفتارهای انسانی به شمار می‌رود و بخش قابل توجهی از رفتارهای اقتصادی نیز بر این بنیان استوار است. توسعه اقتصادی که مستلزم انجام رفتارهای خاص و ویژه در زمینه‌های مختلف زندگی انسانی است، به فرهنگ و باورهای فرهنگی وابستگی بسیار زیادی دارد. از اینجاست که در تمثیل درخت توسعه اقتصادی، ریشه این درخت همان باورهای فرهنگی است (عظیمی، ۱۳۸۳: ۱۸۳). اندیشه توسعه فرهنگی به عنوان موضوع سیاست ملی، به ویژه در چارچوب نظام سازمان ملل، از حدود سال

بنابراین، از نظر آن‌ها، افزایش در تقاضای خارجی برای بخش‌های پایه محرک رشد و حرکت اقتصاد منطقه بوده و باعث می‌شود از طریق افزایش تقاضای خارجی برای کالا و خدمات بخش پایه؛ نه تنها درآمد و اشتغال بخش پایه افزایش می‌یابد، بلکه درآمد و اشتغال در بخش غیر پایه نیز افزایش خواهد یافت (زیاری، ۱۳۷۸: ۷۴).

ج- نظریه قطب رشد: فرانسوا پرو^۲ نحوه نگرش به توسعه نواحی را ناشی از قطب‌های رشد می‌داند که در مرحله اول با سرمایه‌گذاری‌های کلان صنعتی در مراکز بزرگ شهری، واگرایی و نابرابری ایجاد می‌شود، و در مرحله دوم با انتشار تدریجی توسعه به سایر نواحی، همگرایی و برابری ایجاد می‌گردد (Wheeler, 1986: 62-63). امروزه اقتصاددانان نظریه رشد متوازن در مناطق مختلف، ضرورت برنامه‌ریزی منطقه‌ای صحیح را برای رسیدن به توسعه متوازن مطرح می‌کنند و معتقدند که توسعه متعادل ناحیه‌ای برای آن است که بهترین شرایط و امکانات را برای توسعه جامع همه نواحی فراهم آورد، تفاوت‌های کیفیت زندگی بین ناحیه‌ای و درون ناحیه‌ای را به حداقل رساند و در نهایت از بین ببرد.

د- نظریه مرکز پیرامون: در این نظریه بر پویایی روابط میان نواحی و تأثیر پذیری نواحی از یکدیگر در طول زمان بر روی ساختار فضایی تأکید می‌شود. جان فریدمن^۳ با ارائه‌ی نظریه مرکز-پیرامون^۴ به ایجاد رابطه استعماری مرکز-پیرامون در سیستم فضایی اشاره می‌کند

2. Perroux
3. J. Friedmann
4. Core-Periphery

تنها با به کار گیری و استفاده منطقی و مطلوب از خدمات، کالاهای و ابزارهای فرهنگی امکان ارتقاء سطح کیفی فرهنگ امکان پذیر است (جوادی، ۱۳۸۴: ۱۱-۱۳).

در پژوهش حاضر بُعد کمی توسعه فرهنگی مد نظر است. توسعه فرهنگی جوامع با توجه به تحول و گسترش شاخص‌های مربوط به آن ارزیابی و در قالب‌های کمی اندازه گیری می شود. شاخص‌های توسعه فرهنگی مهمترین ابزارهای برنامه‌ریزی فرهنگی در منطقه خاصی از یک جامعه هستند. در این پژوهش از شاخص‌های توسعه فرهنگی برای سطح بندی مناطق استفاده شده است.

۲-۳- معرفی روش و تکنیک

۲-۳-۱- مدل تحلیل عاملی

نام عمومی است برای برخی از روش‌های آماری چند متغیره که هدف اصلی آن خلاصه کردن اطلاعات زیاد است در عین حال خلاصه کردن اطلاعات به ترتیبی صورت می‌گیرد که نتیجه خلاصه شده از نظر مفهومی معنادار است (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۲۲۸)، این تکنیک از پیچیده‌ترین و در عین حال در زمره بهترین و کاربردی‌ترین روش‌ها است. روش مزبور نه تنها برای خوشه‌بندی پدیده‌ها با ویژگی‌های متعدد قابل استفاده است، بلکه معیاری برای دسته‌بندی سلسله مراتبی پدیده‌ها از لحاظ درجه توسعه یافتگی نیز به شمار می‌رود (طالبی و زنگی‌آبادی، ۱۳۸۰: ۱۲۷). در ذیل به چند اصطلاح عمده تحلیل عاملی اشاره می‌شود:

۱۹۵۰ قوت گرفته و رواج یافت. طی دهه ۶۰-۱۹۵۰ که به ده ساله اول توسعه شهرت یافته است، تحول پر معنایی روی داد و مفهوم توسعه، گسترش، تنوع و عمق یافت. در دهه ی ۷۰-۱۹۶۰ در کشورهای اروپایی مفاهیم و اصطلاحات جدیدی در عرصه ی فرهنگ وضع و به تدریج مرسوم شد که از مهمترین آن‌ها «توسعه فرهنگی و سیاست فرهنگی» است (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۷: ۲۴).

«توسعه ی فرهنگی» فرآیندی است که طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های ادراکی، شناختی، ارزشی و گرایشی انسان‌ها، قابلیت‌ها و باورها و شخصیت ویژه ای را در آن‌ها به وجود می‌آورد که حاصل این باورها و قابلیت‌ها، رفتارها و کنش‌های خاصی است که مناسب توسعه است (یونسکو، ۱۳۷۹: ۱۷). به عبارتی توسعه فرهنگی فرآیندی کیفی و ارزشی است که برای ارزیابی آن از نشانگرهای کمی در برنامه‌ریزی‌های فرهنگی برای دستیابی به اهداف توسعه در قالب کالاها و خدمات استفاده می‌شود و در این بین، آنچه مهم است، برنامه‌ریزی در مورد ماهیت و محتوای فعالیت‌ها و خدمات فرهنگی است که به طور عموم از طریق ابزارهای فرهنگی حاصل می‌شود. بدیهی است میان بُعد کمی و کیفی فرهنگ ارتباط دو سویه برقرار است؛ بُعد کمی توسعه فرهنگی شامل افزایش شمارگان کتاب، تأسیس کتابخانه‌ها، افزایش تیتراژ روزنامه‌ها و نشریات، تأسیس موزه‌ها و فضاهای فرهنگی هنری، سینما، تئاتر، تقویت رسانه‌های محلی و بُعد کیفی آن تقویت هویت‌های دینی و فرهنگی، پاسداری از آداب و رسوم، زبان، ارزش‌ها و میراث فرهنگی غیر مادی است. در واقع

آماده‌سازی و پردازش بیشتر اطلاعات و کاهش حجم شاخص‌ها و دستیابی به عامل‌های اصلی، شاخص‌های انتخاب شده وارد مدل تحلیل عاملی می‌شوند.

۳- تحلیل یافته‌ها

۳-۱- تحلیل توسعه فرهنگی شهر اصفهان با تکنیک تحلیل عاملی

در این پژوهش، به منظور آماده‌سازی و پردازش بیشتر اطلاعات، کاهش حجم شاخص‌های مورد نظر و شناسایی عوامل، مجموعه شاخص‌های وارد مدل تحلیل عاملی شده است. این تکنیک کاربردهای گوناگونی دارد، اگر در تحلیل عاملی هدف خلاصه کردن تعداد شاخص به عوامل معنی دار باشد، باید از تحلیل عاملی نوع R استفاده گردد؛ در صورتی که هدف ترکیب و تلخیص تعدادی از مکان‌ها یا نواحی جغرافیایی در گروه‌های همگن در درون یک سرزمین باشد باید از تحلیل نوع Q استفاده شود (کلانتری، ۱۳۸۲: ۲۹۱-۲۸۱). در این تحقیق از تحلیل عاملی نوع R به روش مؤلفه‌های اصلی استفاده شده است.

نتیجه حاصل از به کارگیری روش تحلیل عاملی به ویژه چرخش^{۱۱} واریمکس^{۱۲} تقلیل ۳۵ شاخص در ۵ عامل است. در این تحلیل مجموع ۵ عامل یاد شده جمعاً ۹۳/۱۱ درصد از واریانس مجموع ۳۵ شاخص مذکور را می‌پوشانند. که نشان دهنده رضایت بخش بودن تحلیل عاملی و شاخص‌های مورد مطالعه است. با توجه به میزان همبستگی هر یک از شاخص‌ها،

- مقدار خاص^۵: میزان واریانس تبیین شده به وسیله ی هر عامل را بیان می‌کند.

- عامل^۶: عبارت است از ترکیبی خطی متغیرهای اصلی، که نشان دهنده جنبه‌های خلاصه شده از متغیرهای مشاهده شده است.

- بار عاملی^۷: عبارت است از همبستگی بین متغیرهای اصلی و عوامل.

- ماتریس عاملی^۸: جدولی است که بارهای عاملی کلیه متغیرها را در هر عامل نشان می‌دهد.

- چرخش عاملی^۹: فرآیندی است برای تعدیل محور عاملی به منظور دستیابی به عامل‌های معنی دار و ساده.

- وزن عاملی^{۱۰}: وزنی هستند که به متغیرها داده می‌شوند، تا در تعیین امتیاز عوامل مشکل ایجاد نشود.

- امتیاز عاملی: وزن عددی است که هر یک از نواحی پس از ضرب وزن عاملی از طریق معادل $Z-S$ استاندارد به دست می‌آورد (موسوی و حکمت‌نیا، ۱۳۸۴: ۶۰-۵۹). استخراج عامل‌ها با استفاده از ماتریس همبستگی صورت می‌گیرد. با استفاده از ماتریس عاملی، عوامل مشترک و اهمیت نسبی هر یک از شاخص‌ها معلوم می‌گردد. در تحلیل عاملی، در اتصال شاخص‌ها با هم در عوامل، شاخص‌هایی مورد استفاده قرار می‌گیرند که ضریب همبستگی آن‌ها بالای ۰/۵ باشد. بر این اساس در راستای دستیابی به هدف مطالعه، در اولین مرحله از تحلیل به منظور

5. Eigen value

6. factor

7. Factor loading

8. Factor Matrix

9. Factor Rotation

10. factor weight

11 -Rotated Factor Matrix

12 -Varimax

سوم ۱۱ درصد و عامل چهارم ۷/۳۸ و عامل پنجم ۴/۳۸ درصد از واریانس را محاسبه و توضیح می‌دهند. شکل (۱) نشان می‌دهد که عامل اول با ۵۷٪ درصد بیشترین سهم و عامل چهارم و پنجم به ترتیب با ۸٪ و ۵٪ درصد کمترین سهم را در توسعه خدمات فرهنگی مناطق دارند.

می‌توان عناوین مناسبی را برای هر یک از عوامل انتخاب نمود. در میان پنج عامل استخراج شده، اولین عامل به تنهایی ۵۳/۱۲ درصد از واریانس را توضیح می‌دهد (این امر نشان دهنده ارزش و اهمیت عامل اول نسبت به سایر عامل‌هاست) و عامل دوم ۱۷/۲۲ درصد از واریانس بعدی را محاسبه می‌نماید عامل



شکل ۱- مدل تحلیلی سهم درصد عوامل در توسعه ی فرهنگی مناطق

مأخذ: محاسبات نگارندگان

جدول ۱- آمار نهایی برای تحلیل داده‌ها

استخراج مجموع ضرایب عوامل			مقادیر ویژه ی اولیه			ردیف
مجموع	واریانس	٪تجمعی	مجموع	واریانس	٪تجمعی	
۱۸/۵۹۴	۵۳/۱۲۵	۵۳/۱۲۵	۱۸/۵۹۴	۵۳/۱۲۵	۵۳/۱۲۵	X ₁
۶/۰۲۹	۱۷/۲۲۶	۷۰/۳۵۱	۶/۰۲۹	۱۷/۲۲۶	۷۰/۳۵۱	X ₂
۳/۸۵۱	۱۱/۰۰۴	۸۱/۳۵۵	۳/۸۵۱	۱۱/۰۰۴	۸۱/۳۵۵	X ₃
۲/۵۸۳	۷/۳۸۱	۸۸/۷۳۶	۲/۵۸۳	۷/۳۸۱	۸۸/۷۳۶	X ₄
۱/۵۳۴	۴/۳۸۱	۹۳/۱۱۷	۱/۵۳۴	۴/۳۸۱	۹۳/۱۱۷	X ₅
۰/۸۱۹			۹۵/۴۵۸	۲/۳۴۱		X ₆
۰/۶۷۱			۹۷/۳۷۵	۱/۹۱۷		X ₇
۰/۳۸۰			۹۸/۴۶۲	۱/۰۸۶		X ₈
۰/۲۲۲			۹۹/۰۹۷	۰/۶۳۵		X ₉
۰/۱۶۴			۹۹/۵۶۶	۰/۴۶۹		X ₁₀
۰/۱۰۰			۹۹/۸۵۱	۰/۲۸۵		X ₁₁
۰/۰۵۲			۱۰۰	۰/۱۴۹		X ₁₂
1.2E-15			۱۰۰	۱۵E-۳.۵		X ₁₃

			۱۰۰	۱۵E-۲.۲	7.6E-16	X14
			۱۰۰	۱۵E-۲.۱	7.2E-16	X15
			۱۰۰	۱۵E-۱.۸	6.4E-16	X16
			۱۰۰	۱۵E-۱.۴	4.9E-16	X17
			۱۰۰	۱۵E-۱.۳	4.4E-16	X18
			۱۰۰	۱۵E-۱.۱	3.8E-16	X19
			۱۰۰	۱۶E-۷.۲	2.5E-16	X20
			۱۰۰	۱۶E-۶.۶	2.3E-16	X21
			۱۰۰	5.5E-16	1.9E-16	X22
			۱۰۰	3.8E-16	1.3E-16	X23
			۱۰۰	7.9E-17	2.8E-17	X24
			۱۰۰	-1.2E-16	-4.2E-17	X25
			۱۰۰	-3.3E-16	-1.1E-16	X26
			۱۰۰	-4.3E-16	-1.5E-16	X27
			۱۰۰	-6.9E-16	-2.4E-16	X28
			۱۰۰	-9.3E-16	-3.3E-16	X29
			۱۰۰	-1.3E-15	-4.4E-16	X30
			۱۰۰	-1.6E-15	-5.6E-16	X31
			۱۰۰	-1.8E-15	-6.3E-16	X32
			۱۰۰	-2.1E-15	-7.4E-16	X33
			۱۰۰	-2.9E-15	-1.0E-15	X34
			۱۰۰	-4.0E-15	-1.4E-15	X35

روش استخراج: تجزیه به مؤلفه‌های اصلی مأخذ: محاسبات نگارندگان

هر کدام از مجموع شاخص‌های اولیه از جدول ۲ (ماتریس عوامل دوران یافته) استفاده شده است.

برای روشن شدن ماهیت عامل‌های استخراج شده و در نتیجه امکان نامگذاری آنها، نحوه بارگذاری

جدول ۲- بارگذاری عامل‌های استخراج شده از شاخص‌ها (ماتریس عوامل دوران یافته)

عامل‌ها					شاخص‌های مورد بررسی
۵	۴	۳	۲	۱	
-۰/۱۲۴	-۰/۰۴۳	۰/۱۲۱	۰/۸۷۳	۰/۱۳۱	بارتکفل ناخالص (معکوس)
-۰/۱۵۸	۰/۰۵۲	۰/۲۳۴	۰/۸۵۵	۰/۲۷۹	نرخ فعالیت عمومی
-۰/۰۰۵	-۰/۴۹۱	-۰/۱۰۲	۰/۷۶۱	۰/۲۹۸	درصد پاسوادی مردان
-۰/۱۳۲	-۰/۴۶۵	-۰/۱۶۶	۰/۷۷۱	۰/۲۰۵	درصد پاسواد زنان
۰/۱۳۵	۰/۵۹۰	۰/۵۷۱	۰/۰۶۲	۰/۴۷۶	تعداد کتابخانه و سالن مطالعه به ده هزار نفر
۰/۱۱۹	۰/۰۲۵	۰/۹۲۵	۰/۲۰۲	۰/۲۲۴	نسبت کتاب به ده هزار نفر
۰/۱۵۶	۰/۰۸۳	۰/۹۳۸	۰/۱۸۲	۰/۱۶۶	سرانه فضای کتابخانه و سالن مطالعه
۰/۸۵۴	-۰/۰۷۸	۰/۳۴۶	-۰/۱۷۹	۰/۰۹۸	ضریب استفاده کننده از کتابخانه‌ها و سالن‌های مطالعه
-۰/۰۷۵	۰/۹۴۶	-۰/۰۰۹	-۰/۰۵۰	۰/۰۸۸	تعداد فرهنگسرا به ده هزار نفر
-۰/۳۹۰	۰/۸۳۰	-۰/۰۲۹	-۰/۳۴۸	۰/۰۴۹	سرانه فضای فرهنگسرا

۰/۰۰۴	-۰/۲۹۷	-۰/۰۸۶	۰/۱۹۳	۰/۹۰۸	تعداد مراکز فرهنگی به ده هزار نفر
۰/۰۵۱	۰/۰۰۲	۰/۱۴۶	۰/۷۱۱	۰/۶۶۴	تعداد کافی نت به ده هزار نفر
-۰/۰۸۶	-۰/۲۸۲	۰/۳۵۶	۰/۶۵۸	۰/۵۴۳	سرانه فضای کافی نت
۰/۰۲۲	۰/۰۰۶	۰/۳۰۵	۰/۶۹۹	۰/۶۱۱	سرانه رایانه
۰/۰۱۸	۰/۰۹۸	۰/۰۸۹	۰/۴۳۶	۰/۸۸۶	ضریب کاربران اینترنت
۰/۰۳۷	-۰/۰۱۳	۰/۲۸۲	۰/۶۹۳	۰/۶۳۳	تعداد کاربران اینترنت
۰/۰۱۶	۰/۱۳۰	۰/۱۹۸	۰/۰۴۶	۰/۹۳۷	ضریب استفاده از سینما
۰/۰۳۸	۰/۱۴۶	۰/۱۹۳	۰/۰۴۶	۰/۹۵۶	تعداد صندلی‌های موجود در سینماها به ده هزار نفر
۰/۱۷۷	۰/۱۹۱	۰/۳۵۹	۰/۷۳۶	۰/۴۵۷	تعداد مطبوعات محلی به ده هزار نفر
۰/۱۶۷	۰/۰۴۲	۰/۶۶۹	۰/۴۱۰	۰/۵۷۹	تعداد انتشارات به ده هزار نفر
-۰/۱۲۲	-۰/۱۸۶	۰/۳۶۱	۰/۸۲۷	-۰/۱۷۲	تعداد آموزشگاه آزاد سینمایی به ده هزار نفر
۰/۰۹۳	۰/۰۴۵	۰/۵۷۵	۰/۶۳۶	۰/۳۷۹	تعداد نگارخانه به ده هزار نفر
-۰/۰۵۸	-۰/۱۴۱	۰/۴۰۵	۰/۸۲۹	۰/۱۲۲	تعداد آموزشگاه موسیقی به ده هزار نفر
۰/۱۲۴	۰/۰۴۹	۰/۱۳۰	۰/۹۳۲	۰/۰۸۷	تعداد مؤسسات فرهنگی هنری به ده هزار نفر
۰/۵۹۷	-۰/۱۶۴	-۰/۲۴۶	۰/۵۶۳	-۰/۱۳۸	تعداد عرضه محصولات فرهنگی به ده هزار نفر
۰/۰۴۷	۰/۰۷۲	۰/۳۶۴	۰/۷۳۷	۰/۴۹۶	تعداد آموزشگاه هنری به ده هزار نفر
۰/۰۷۷	۰/۱۳۳	۰/۶۲۹	۰/۱۱۸	۰/۷۳۷	تعداد مراکز چاپ به ده هزار نفر
۰/۰۴۰	۰/۰۸۹	۰/۶۰۱	۰/۳۰۰	۰/۷۰۲	تعداد دکه‌های مطبوعاتی به ده هزار نفر
۰/۰۳۹	۰/۰۹۳	۰/۶۰۶	۰/۲۹۱	۰/۷۰۲	سرانه فضاهای دکه‌های مطبوعاتی
۰/۰۰۶	۰/۰۰۶	۰/۶۵۱	۰/۱۶۷	۰/۷۱۱	تعداد موزه به ده هزار نفر
۰/۱۳۸	-۰/۱۵۵	۰/۹۳۷	۰/۲۲۸	-۰/۰۴۸	تعداد سالن‌های نمایشی به ده هزار نفر
۰/۳۷۳	۰/۳۹۰	۰/۶۷۲	۰/۱۳۴	۰/۲۹۲	تعداد کانون‌های فرهنگی مساجد به ده هزار نفر
۰/۰۳۶	-۰/۰۰۵	۰/۸۸۵	۰/۲۱۵	۰/۳۶۳	سرانه کاربری‌های فرهنگی
۰/۸۷۶	-۰/۱۱۹	۰/۳۱۱	-۰/۱۹۰	۰/۰۵۲	نسبت مراجعه کننده به کتابخانه‌های عمومی به جمعیت لازم التعلیم
-۰/۰۰۹	0.043	۰/۲۲۹	۰/۰۲۱	۰/۹۶۸	تعداد سینما به ده هزار نفر

روش استخراج: تجزیه به مؤلفه‌های اصلی (با استفاده از چرخش واریمکس) مأخذ: محاسبات نگارندگان

طور کامل برای هر ۵ عامل به تفکیک مناطق شرح داده می‌شود.

همان‌طور که در جداول (۳) و (۴) ملاحظه می‌گردد، بر مبنای محاسبات در عامل اول، مناطق ۱ و ۱۲ به ترتیب با رتبه ۱ و ۲ در سطح یک به عنوان برخوردارترین مناطق و مناطق ۱۱، ۶ و ۲ به ترتیب با رتبه ۱۲، ۱۳ و ۱۴ در سطح پنجم به عنوان محروم‌ترین مناطق شناخته شدند. عامل دوم، شامل مناطق ۶ و ۵ در سطح یک و مناطق ۱۱، ۷ و ۱۴ در سطح پنجم قرار دارند. عامل سوم، سطح یک شامل مناطق ۳

۳-۲- سطح‌بندی مناطق با استفاده از الگوی تحلیل عاملی

با بهره‌گیری از مدل تحلیل عاملی سهم عوامل تأثیرگذار در توسعه خدمات فرهنگی مناطق مشخص گردید. بدین صورت که هر یک از شاخص‌های بارگذاری شده در عامل‌ها مشخص گردید و با استفاده از امتیاز عاملی مناطق رتبه‌بندی شده است و در نهایت، براساس رتبه عامل‌ها، مناطق در پنج سطح ترسیم شده است. که مراحل مذکور به

و در عامل پنجم، مناطق ۷ و ۱۴ در سطح اول و مناطق ۲، ۵ و ۱۲ در سطح پنجم قرار دارند.

و ۱۱، سطح پنجم مناطق ۱۲، ۸ و ۴ را در بر می‌گیرد. در عامل چهارم اولین سطح شامل مناطق ۲ و ۱۱، پنجمین سطح شامل مناطق ۱۴، ۵ و ۱۲ است.

جدول ۳- رتبه‌بندی مناطق شهری اصفهان از نظر شاخص‌های فرهنگی با استفاده از الگوی تحلیل عاملی

ردیف	مناطق	عامل اول		عامل دوم		عامل سوم		عامل چهارم		عامل پنجم	
		رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی	رتبه	امتیاز عاملی
۱	منطقه ۱	۱	۳/۳۴	۵	۰/۰۷۷	۹	-۰/۲۰	۵	۰/۶۲	۹	۰/۱۲
۲	منطقه ۲	۱۴	-۰/۵۶	۱۱	-۰/۸۳	۳	۰/۱۲	۱	۱/۳۷	۱۴	-۱/۶۰
۳	منطقه ۳	۳	۰/۱۰	۴	۰/۳۱	۱	۳/۳۰	۸	-۰/۲۶	۸	۰/۲۷
۴	منطقه ۴	۶	-۰/۲۳	۳	۱/۱۷	۱۴	-۱/۰۶۰	۴	۰/۹۳	۳	۰/۸۲
۵	منطقه ۵	۱۰	-۰/۳۸	۲	۱/۵۱	۶	-۰/۱۶	۱۳	-۱/۲۷	۱۳	-۱/۴۰
۶	منطقه ۶	۱۳	-۰/۵۲	۱	۲/۲۵	۵	-۰/۰۶	۶	۰/۴۸	۴	۰/۶۳
۷	منطقه ۷	۸	-۰/۳۵	۱۳	-۰/۹۹	۷	-۰/۱۸	۱۱	-۰/۶۷	۱	۱/۴۶
۸	منطقه ۸	۴	-۰/۰۰۶	۶	-۰/۰۵۴	۱۳	-۰/۶۳	۷	-۰/۲۵	۱۰	-۰/۵۶
۹	منطقه ۹	۱۱	-۰/۴۵	۹	-۰/۴۲	۴	۰/۰۰۲	۳	۱/۲۰	۶	۰/۳۲
۱۰	منطقه ۱۰	۷	-۰/۳۳	۸	-۰/۴۲	۱۰	-۰/۳۰	۹	-۰/۴۲	۷	۰/۲۸
۱۱	منطقه ۱۱	۱۲	-۰/۵۱	۱۲	-۰/۹۰	۲	۰/۱۲۲	۲	۱/۲۹	۱۱	-۰/۹۴
۱۲	منطقه ۱۲	۲	۰/۴۲	۱۰	-۰/۵۳	۱۲	-۰/۴۲	۱۴	-۱/۸۶	۱۲	-۱/۲۰
۱۳	منطقه ۱۳	۵	-۰/۱۴	۷	-۰/۱۹	۱۱	-۰/۳۶	۱۰	-۰/۴۹	۵	۰/۳۲
۱۴	منطقه ۱۴	۹	-۰/۳۵	۱۴	-۰/۹۹	۸	-۰/۱۸	۱۲	-۰/۶۶	۲	۱/۴۶

مأخذ: محاسبات نگارندگان

دارند. سطح سوم شامل مناطق ۴، ۱۰ و ۷ به ترتیب با رتبه‌های (۶، ۷ و ۸) هستند. مناطق ۱۴، ۵ و ۹ به ترتیب با رتبه‌های (۹، ۱۰ و ۱۱) در سطح چهارم جای گرفته‌اند و پنجمین سطح به عنوان محروم‌ترین مناطق از نظر شاخص‌های فرهنگی در عامل اول (فرهنگی-هنری) شامل مناطق ۱۱، ۶ و ۲ به ترتیب با رتبه‌های (۱۲، ۱۳ و ۱۴) هستند.

- عامل اول: رتبه‌بندی مناطق از نظر شاخص‌های توسعه فرهنگی با استفاده از الگوی عامل اول نشان می‌دهد، که از بین مناطق شهری اصفهان، شامل مناطق ۱ و ۱۲ برابر با رتبه‌های (۱ و ۲) در سطح اول، به عنوان برخوردارترین مناطق از نظر شاخص‌های فرهنگی در عامل اول جای گرفته‌اند. مناطق ۸، ۳ و ۱۳ به ترتیب با رتبه‌های (۴، ۳ و ۵) در سطح دوم قرار

بین مناطق در عامل فرهنگی - پژوهشی به میزان قابل توجهی وجود دارد. البته باید توجه داشت که این عامل در توسعه فرهنگی شهروندان بسیار مؤثر است.

- عامل چهارم: رتبه‌بندی مناطق را از نظر شاخص‌های فرهنگی با استفاده از الگوی عامل چهارم نشان می‌دهد، که از بین مناطق شهری اصفهان، مناطق ۲ و ۱۱ به عنوان برخوردارترین مناطق از نظر عامل (فرهنگی-اجتماعی)، سطح اول را به خود اختصاص داده‌اند. مناطق ۹، ۴ و ۱۰ به ترتیب با رتبه‌های (۳، ۴ و ۵) در سطح دوم، مناطق ۶، ۸ و ۳ به ترتیب با رتبه‌های (۶، ۷ و ۸) در سطح سوم، مناطق ۱۰، ۷ و ۱۳ برابر با رتبه‌های (۹، ۱۰ و ۱۱) در سطح چهارم و مناطق ۱۴، ۵ و ۱۲ به ترتیب با رتبه‌های (۱۲، ۱۳ و ۱۴) به عنوان محرومترین مناطق از نظر شاخص‌های فرهنگی در عامل مذکور در سطح پنجم قرار دارند.

- عامل پنجم: مناطق از نظر شاخص‌های توسعه فرهنگی با استفاده از الگوی عامل پنجم رتبه‌بندی شده است و سطح هر یک از مناطق مشخص گردیده است. مناطق ۷ و ۱۴ به ترتیب با رتبه‌های (۱ و ۲) در سطح اول جای گرفته‌اند. این مطلب حاکی از آن است که در این دو منطقه تعداد مراجعه‌کننده به کتابخانه و سالن مطالعه با وجود کمبود امکانات و سرانه فضای کتابخانه، نسبت به سایر مناطق بیشتر است. به بیان دیگر سرانه کاربری‌های فرهنگی در مناطق مزبور متناسب با نیاز مخاطبان نیست. مناطق ۴، ۶ و ۱۳ به ترتیب با رتبه‌های (۳، ۴ و ۵) در سطح دوم، مناطق ۹، ۱۰ و ۳ به ترتیب با رتبه‌های (۶، ۷ و ۸) در سطح سوم، سطح چهارم شامل مناطق ۱، ۸ و ۱۱ به ترتیب با رتبه‌های (۹، ۱۰ و ۱۱)

- عامل دوم: رتبه‌بندی مناطق را از نظر شاخص‌های فرهنگی با استفاده از الگوی عامل دوم نشان می‌دهد، که مناطق ۵ و ۶ به ترتیب با رتبه‌های (۱ و ۲) به عنوان برخوردارترین مناطق از نظر شاخص‌های فرهنگی در عامل دوم هستند که در سطح اول قرار دارند. سطح دوم شامل سه منطقه ۴، ۳ و ۱ به ترتیب با رتبه‌های (۳، ۴ و ۵)، سطح سوم شامل مناطق ۸، ۱۳ و ۱۰ به ترتیب با رتبه‌های (۶، ۷ و ۸)، سطح چهارم شامل مناطق ۹، ۱۲ و ۲ به ترتیب با رتبه‌های (۹، ۱۰ و ۱۱) و سطح پنجم شامل مناطق ۱۱، ۷ و ۱۴ به ترتیب با رتبه‌های (۱۲، ۱۳ و ۱۴) به عنوان محروم‌ترین مناطق از نظر شاخص‌های فرهنگی در عامل دوم (فرهنگی-آموزشی) هستند. بنابراین، جهت محرومیت-زدایی این مناطق باید برنامه‌ریزی فرهنگی متناسب با نیاز هر کدام از مناطق صورت پذیرد.

- عامل سوم: رتبه‌بندی مناطق را از نظر شاخص‌های فرهنگی با استفاده از الگوی عامل سوم نشان می‌دهد، چنان‌چه در جدول (۴) ملاحظه می‌شود، در عامل (فرهنگی - پژوهشی)، از بین مناطق شهری اصفهان دو منطقه شامل مناطق ۳ و ۱۱ به ترتیب با رتبه‌های (۱ و ۲) در سطح اول، سه منطقه شامل مناطق ۲، ۹ و ۶ به ترتیب با رتبه‌های (۳، ۴ و ۵) در سطح دوم، سه منطقه شامل مناطق ۵، ۷ و ۱۴ به ترتیب با رتبه‌های (۶، ۷ و ۸) در سطح سوم، سه منطقه شامل مناطق ۱، ۱۰ و ۱۳ به ترتیب با رتبه‌های (۹، ۱۰ و ۱۱) در سطح چهارم، سه منطقه شامل مناطق ۱۲، ۸ و ۴ به ترتیب با رتبه‌های (۱۲، ۱۳ و ۱۴) در سطح پنجم تلقی می‌شود. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که که نابرابری

مختلف است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نابرابری بین مناطق شهری اصفهان در بخش خدمات فرهنگی به میزان قابل توجهی افزایش یافته است. و این موضوع حاکی از توزیع نامتعادل امکانات و فضاهای فرهنگی در بین مناطق شهری است. شکل ۲ رتبه امتیازات عاملی را به تفکیک مناطق به صورت نمودار نشان می‌دهد.

(۱۱) و بالاخره سطح آخر شامل مناطق ۱۲، ۵ و ۲ به ترتیب با رتبه‌های (۱۲، ۱۳ و ۱۴) که تعداد مراجعه کننده به کتابخانه و سالن مطالعه نسبت به سایر مناطق کمتر است.

نتایج نشان می‌دهد که رتبه و سطح مناطق در عامل‌های مختلف، متفاوت هستند که این مسأله نشان دهنده توسعه متفاوت مناطق در بخش‌ها و عامل‌های

جدول ۴- سطوح مناطق چهارده گانه اصفهان با استفاده از رتبه الگوی تحلیل عاملی

ردیف	عامل اول			عامل دوم			عامل سوم			عامل چهارم			عامل پنجم		
	سطح	رتبه	مناطق	سطح	رتبه	مناطق	سطح	رتبه	مناطق	سطح	رتبه	مناطق	سطح	رتبه	مناطق
۱	سطح ۱	۱	منطقه ۱	سطح ۱	۱	منطقه ۳	سطح ۱	۱	منطقه ۲	سطح ۱	۱	منطقه ۷	سطح ۱	۱	منطقه ۷
		۲	منطقه ۱۲		۲	منطقه ۱۱		۲	منطقه ۱۱		۲	منطقه ۱۴			
۳	سطح دو	۳	منطقه ۳	سطح دو	۴	منطقه ۶	سطح دو	۵	منطقه ۱	سطح دو	۵	منطقه ۶	سطح دو	۴	منطقه ۶
		۴	منطقه ۸		۴	منطقه ۴		۴	منطقه ۴		۳	منطقه ۴			
		۵	منطقه ۱۳		۳	منطقه ۹		۳	منطقه ۱۳		۵	منطقه ۱۳			
۶	سطح سه	۶	منطقه ۴	سطح سه	۸	منطقه ۱۰	سطح سه	۶	منطقه ۶	سطح سه	۶	منطقه ۶	سطح سه	۸	منطقه ۳
		۷	منطقه ۱۰		۷	منطقه ۳		۷	منطقه ۱۰		۷	منطقه ۱۰			
		۸	منطقه ۷		۸	منطقه ۸		۷	منطقه ۸		۶	منطقه ۹			
۹	سطح چهار	۹	منطقه ۵	سطح چهار	۹	منطقه ۱	سطح چهار	۹	منطقه ۱۳	سطح چهار	۱۰	منطقه ۸	سطح چهار	۱۰	منطقه ۸
		۱۰	منطقه ۹		۱۱	منطقه ۱۰		۱۱	منطقه ۱		۹	منطقه ۱			
		۱۱	منطقه ۱۴		۱۰	منطقه ۱۰		۱۱	منطقه ۱۱		۱۱	منطقه ۱۱			
۱۲	سطح پنج	۱۲	منطقه ۶	سطح پنج	۱۲	منطقه ۴	سطح پنج	۱۴	منطقه ۱۲	سطح پنج	۱۴	منطقه ۱۲	سطح پنج	۱۲	منطقه ۱۲
		۱۳	منطقه ۲		۱۳	منطقه ۸		۱۳	منطقه ۵		۱۴	منطقه ۲			
		۱۴	منطقه ۱۱		۱۲	منطقه ۱۲		۱۲	منطقه ۱۴		۱۳	منطقه ۵			

مأخذ: محاسبات نگارندگان



شکل ۲- رتبه مناطق بر اساس امتیازات پنج عامل

مأخذ: محاسبات نگارندگان

توسعه خدمات فرهنگی مناطق به ترتیب عامل اول، عامل سوم و عامل دوم در اولویت اول برای توسعه مناطق شهری اصفهان به ترتیب برای نواحی بسیار محروم، محروم، متوسط (نیمه برخوردار)، برخوردار و بسیار برخوردار پیشنهاد می‌گردد. عامل چهارم در اولویت دوم می‌تواند در افزایش سطح توسعه مناطق نیمه برخوردار به بالا مؤثر واقع گردد. عامل پنجم در اولویت سوم می‌تواند در افزایش سطح مناطق محروم و بسیار محروم مؤثر واقع گردد. بنابراین، با توجه به ۵ عامل ذکر شده، نتایج حاکی از آن است

۴- نتیجه‌گیری

براساس تحلیل‌های صورت گرفته ۳۵ شاخص انتخابی توسعه فرهنگی از طریق مدل تحلیل عاملی به ۵ عامل کاهش یافته و سهم هر عامل در توسعه مشخص گردید ۵ عامل ایجاد شده ۹۳/۱۱ درصد واریانس را قادر است محاسبه و توضیح دهد. عامل اول به تنهایی ۵۳/۱۲ درصد را محاسبه می‌کند و عوامل بعدی به ترتیب ۱۷/۲۲، ۱۱، ۴/۳۸ و ۴/۳۸ درصد از واریانس را محاسبه و توضیح می‌دهند. نتیجه حاصل از این تحلیل بیان می‌دارد که برای

مردم- نهادها و از همه مهمتر بخش خصوصی علاقمند به سرمایه گذاری در این زمینه است؛
- توسعه و گسترش اطلاع رسانی و فناوری اطلاعات در قالب تقویت و توسعه نهاد سازی، اصلاحات ساختاری و قوانین و مقررات و بهره گیری از دستاوردهای نوین در ارائه خدمات فرهنگی.

منابع

پاپلی یزدی، محمد حسین و رجبی سناجردی، حسین (۱۳۸۷)، نظریه های شهر و پیرامون، انتشارات سمت، چاپ سوم.

تقوایی، مسعود و نوروزی آورگانی، اصغر (۱۳۸۶)، تحلیلی بر نحوه توزیع فضایی امکانات و خدمات روستایی و سطح بندی دهستانهای استان چهار محال و بختیاری، مجله ی پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد بیست و چهارم، شماره ۳.

جوادی، نسرين، (۱۳۸۴)، توسعه فرهنگی استانها، تنگناها و راهکارها، نشریه ایران، شماره ۱۴۱. حکمت نیا، حسن، موسوی، میرنجف (۱۳۸۵)، کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای، انتشارات علم نوین، چاپ اول. زیاری، کرامت الله، (۱۳۷۹)، سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استانهای ایران، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶.

زنگی آبادی، علی، (۱۳۷۸)، تحلیل و سازماندهی ساختار فضایی شاخص های توسعه شهری در شهرهای بالای صد هزار نفر، پایان نامه دکترا، دانشگاه اصفهان.

طالبی، هوشنگ و علی زنگی آبادی، (۱۳۸۰)، تحلیل شاخص ها و تعیین عوامل مؤثر در متدلوژی توسعه ی انسانی شهرهای بزرگ ایران، فصلنامه

که، توزیع نامتعادل امکانات و فضاها ی فرهنگی در بین مناطق بسیار زیاد است. به عبارتی توزیع خدمات فرهنگی در بین مناطق ناعادلانه بوده است. افزایش توزیع ناعادلانه خدمات فرهنگی در بین مناطق منجر به عدم برخوردار ی مناطق محروم از حقوق فرهنگی و خواست های معنوی و ارزشی آنان و اوقات فراغت (تفریح و نشاط) همسان با مناطق برخوردار می شود. و این امر به تشدید نابرابری منطقه ای کمک می کند. خدمات فرهنگی در رشد و شکوفایی استعدادها و سرمایه انسانی، مؤثر در ایجاد توسعه فرهنگ شهروندی، اجتماعی و اقتصادی متوازن تلقی می شود. بدین منظور برنامه ریزان فرهنگی و شهری باید تمهیدات لازم را برای ارتقای سطح خدمات فرهنگی مناطق محروم به منظور بهبود سطح زندگی آنها و رسیدن به یک رشد متوازن در بین مناطق شهر اصفهان فراهم نمایند.

۵- پیشنهادها

از آنجایی که هدف این گونه مطالعات، شناسایی وضعیت موجود مناطق و رتبه بندی آنها از نظر ملاک های توسعه ی فرهنگی می باشد، اقدامات فراوان و متنوعی برای اجرای صحیح و دقیق برنامه ریزی منطقه ای در راستای نیل به عدالت اجتماعی و رفع محرومیت از مناطق مختلف لازم است. در جهت تحقق این امر و با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیق، پیشنهادهای زیر ارائه می شود:

- هدفمند کردن و سازماندهی بهتر و به طور کلی بهبود کارکرد دستگاه های مدیریتی و نظارتی مانند شهرداری و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی اصفهان؛

- پاسخگویی به نیازهای فزاینده فرهنگی مناطق شهری اصفهان، در گرو توجه به همیاری و مشارکت

مجله فضای جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی

واحد اهر، سال دوم.

مختاری ملک‌آبادی، رضا، (۱۳۸۶)، تأثیر تکنولوژی

اطلاعات بر برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری

(نمونه موردی: کاربری‌های فرهنگی - تفریحی

در شهر اصفهان)، پایان نامه دکتری، رشته

جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، گروه جغرافیا،

دانشگاه اصفهان.

معصومی اشکوری، سید حسن، (۱۳۸۵)، اصول و

مبانی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، نشر پیام، چاپ

سوم، تهران.

موسوی، میرنجف و حسن حکمت‌نیا، (۱۳۸۴)،

تحلیل عاملی و تلفیق شاخص‌ها در تعیین

عوامل مؤثر بر توسعه نواحی ایران، مجله

جغرافیا و توسعه، پاییز و زمستان.

مولایی، محمد، (۱۳۸۶)، مقایسه درجه توسعه یافتگی

بخش خدمات و رفاه اجتماعی استان‌های ایران

طی سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۳، فصلنامه رفاه

اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴.

مهندسان مشاور (DHV)، ترجمه ابوطالب فنایی و

دیگران، (۱۳۷۱)، رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی

مراکز روستایی، انتشارات روستا و توسعه، جلد

اول، شماره ۱۰.

یونسکو، ترجمه محمد فاضلی، (۱۳۷۹)، راهبردهای

علمی توسعه فرهنگی، انتشارات تیان

Hadder, r (2000), Development Geography,

Routledge, London, Newyork

Friedman, J(1972), A General Theory of

Polarized Development, in Hansen,

N.M(ed), Growth centers in Regional

Economic Development, Macmillan

Co.Ltd

Wheeler, James, Muller, Peter (1986),

Economic Geography, Jhon, Wiley&Sons,

Inc, Canada.

تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۰.

طاهری، شهنام، (۱۳۸۰)، توسعه اقتصادی و

برنامه‌ریزی، انتشارات هوای تازه، چاپ سوم،

تهران

صرافی، مظفر، (۱۳۷۹)، مبانی برنامه‌ریزی توسعه

منطقه‌ای، انتشارات سازمان مدیریت و

برنامه‌ریزی کشور، چاپ دوم، تهران.

عظیمی، حسین، (۱۳۸۳)، مدارهای توسعه نیافتگی در

اقتصاد ایران، چاپ پنجم، نشر نی.

عظیمی، ناصر، (۱۳۸۱)، پویای شهرنشینی و مبانی

نظام شهری، نشر نیکا، تهران

فنی، زهره، (۱۳۸۸)، بررسی ابعاد از تحولات

فرهنگی شهر (مطالعه موردی: مناطق ۱ و ۱۲

شهر تهران)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی،

شماره ۶۸، تهران.

فنی، زهره، (۱۳۸۳)، شهرهای کوچک رویدادی دیگر

در توسعه منطقه‌ای، چاپ اول، وزارت کشور،

انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های

کشور.

قنبری هفت چشمه، ابوالفضل و کریم حسین‌زاده‌دلیر،

(۱۳۸۴)، تعیین درجه توسعه یافتگی

شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی ۱۳۷۵،

مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۵.

کلانتری، خلیل، (۱۳۸۰)، برنامه‌ریزی و توسعه

منطقه‌ای (تئوری و تکنیک‌ها)، انتشارات

خوشبین، چاپ اول، تهران.

کلانتری، خلیل، (۱۳۸۲)، نقدی بر متدولوژی سنجش

توسعه انسانی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی،

شماره ۶۱.

محمدی، جمال، (۱۳۸۱)، تحلیلی بر مفاهیم کمی و

نقش آن در برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای،